

ترجمه‌ای از روشن‌وزیری درباره روانشناسی خشونت
نفرت دارم، پس هستم

افشای اسنادی جدید در بیستمین سالگرد کودتا در شوروی
گرگ و میش گورباچف

شهر و دولت

مجله بخش خصوصی

امروز

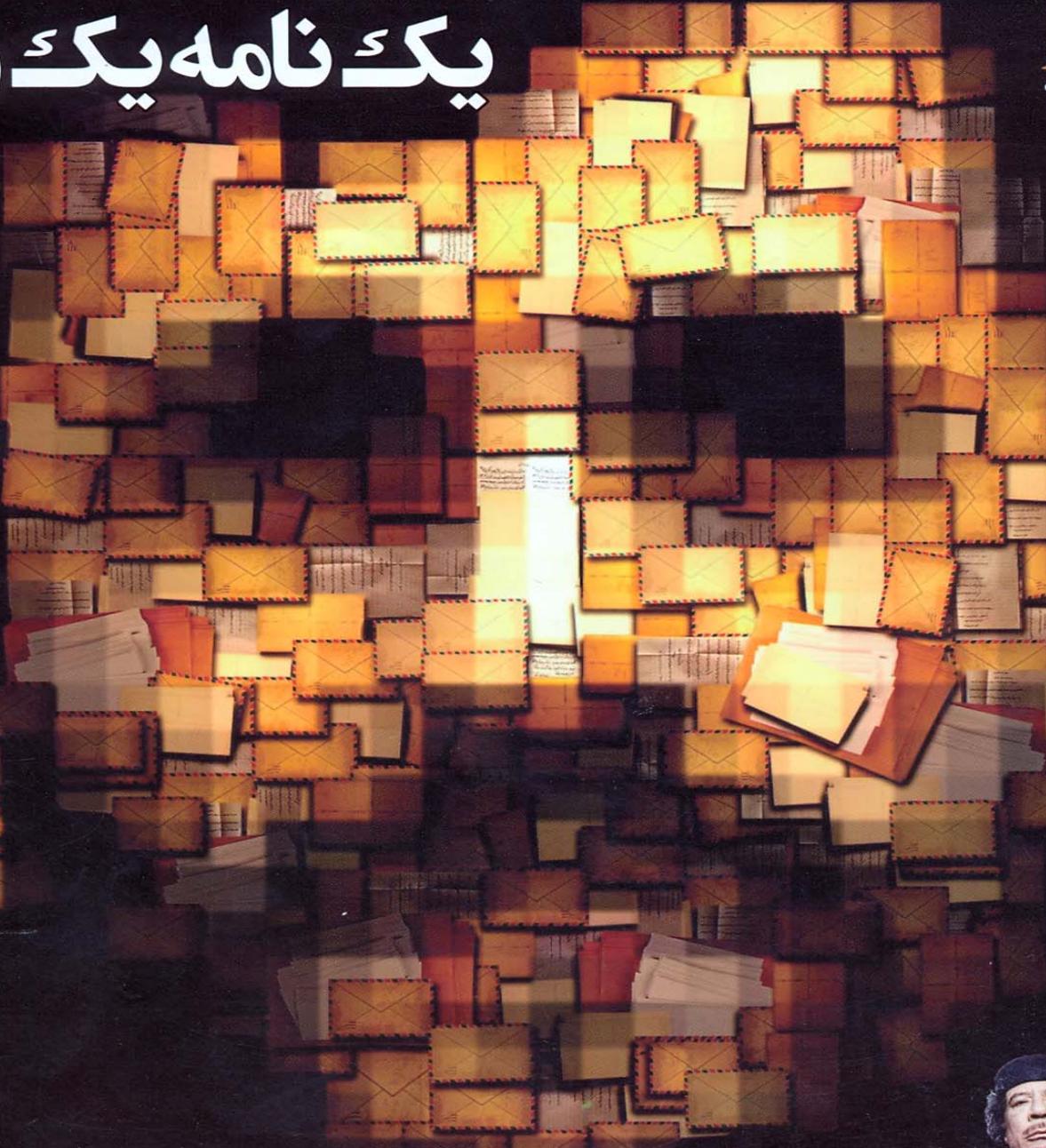
هفته‌نامه خبری - تحلیلی - سال چهارم - شماره پیاپی ۸۶ - دوره جدید / شماره ۹ - شنبه ۵ شهریور ۱۳۹۰ - ۸۴ صفحه - ۲۰۰۰ تومان

گزارشی درباره عریضه‌نویسی در حوالی دفتر ریاست جمهوری

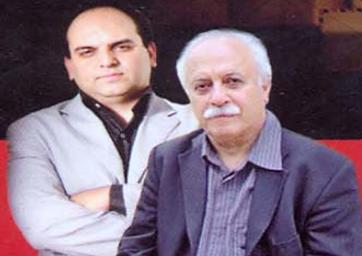
یک نامه یک رای

۳۰ میلیون نامه
چگونه به دست
احمدی‌نژاد رسید؟

تهیدستان
یا اربابان شهر
چرامانو توانست
واحمدی‌نژاد
نمی‌تواند



پرونده‌های درباره
دولت احمدی‌نژاد
تهیدستان
وسیاست خیابانی
با آثاری از:
حمیدرضا جلالی‌پور
آصف بیات
عباس عبدی
کمال اظهاری
علی‌اصغر سعیدی
محسن رناتی



سومین دیکتاتور هم رفت
پرونده‌های درباره
روش‌های حکومتداری قذافی



با آثاری از: خشایار دیهیمی، محمود حسینی‌زاد، عباس کاظمی، سعید حنایی‌کاشانی، علیرضا علوی‌تبار، جمال میرصادقی، فریدون مجلسی
سعید لیلانز، رویا رضوانی، موسی مهران، آنتونیو شرکاء، کیوان علیمحمدی، امید بنگدار، فردین خلعتیری و....

دلربایی از تهیدستان

پاسخ به پرسش‌های شهروند امروز
درباره وعده‌های اقتصادی دولت برای تهیدستان

از نظر شما طبقه یا جمعیت تهیدستان شهری تا چه اندازه در فضای اقتصادی ایران حضور و اثرگذاری دارند؟

بستگی دارد که منظور شما از حضور و اثرگذاری چیست. اگر منظور آن این است که اینان در فرایندهای تصمیم‌سازی در عرصه‌های مختلف اقتصادی مشارکت مستقیم دارند یا مثلا از طریق تشکلهای مختلف صنفی یا اجتماعی در چانه‌زنی‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت می‌کنند و در تقسیم منافع حضور مستقیم دارند، باید گفت نه حضور موثری ندارند. اما اگر منظور شما از حضور و اثرگذاری این است که نهایتا و حتی بدون حضور مستقیم آنها، همه اقدامات و سیاست‌ها از وزن اجتماعی و نیروی فشار و قدرت تهدیدگر این جمعیت متاثر است باید بگویم آری. می‌گویید چگونه؟ بگذارید تا روشن تر بگویم. اکنون اقتصاد ایران در رکود عمیقی فرو رفته است. البته بخشی از این رکود ناشی از بلاتکلیفی و بی‌ثباتی فضای سیاسی و محیط کسب و کار است اما بخش بزرگ دیگر ناشی از نبودن قدرت خرید در بخش بزرگی از جمعیت شهری کشور - یعنی همین جمعیت تهیدستان شهری - است. تولید وقتی می‌بالد که تقاضا برایش وجود داشته باشد و وقتی بخش بزرگی از جمعیت شهری شما - که به نظرم اکنون نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت را در بر می‌گیرد - جزو تهیدستان باشند روشن است که تقاضای موثر برای کالاها و خدمات، پایین خواهد بود و بنابراین تولید به رکود می‌رود. پس همین نداشتن و نخردن جمعیت تهیدست شهری، خودش عامل بزرگ تاثیرگذار در تداوم وضعیت رکود کنونی اقتصاد ایران است. اما روی دیگر مسئله را ببینید. وقتی حکومت تصمیم گرفت یارانه‌های انرژی را بردارد، پیش از اجرای این کار اول شروع کرد به دادن یارانه مستقیم به خانوارها. چرا این کار را کرد؟ به علت وزن جمعیتی و اجتماعی تهیدستان شهری. به علت نگرانی از اعتراض تهیدستان شهری. یعنی اکنون وزن جمعیتی و اجتماعی تهیدستان شهری به گونه‌ای است که دولت به راحتی نمی‌تواند هر تصمیمی را بگیرد و اجرا کند. حتی حالا که معلوم شده است درآمد دولت ناشی از آزاد کردن قیمت انرژی، کفاف یارانه‌های نقدی را نمی‌دهد، دولت جرات ندارد یارانه‌های نقدی را کاهش دهد. این همان تاثیر حضور تهیدستان

شهری است. در عین حال دولت می‌داند که با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، هزینه‌های تولید افزایش یافته است و برای اینکه بنگاه‌ها بتوانند دوام یابند و ورشکسته نشوند باید قیمت‌هایشان را تعدیل کنند. اما باز دولت از وحشت و انکس تهیدستان شهری، حتی به زور و تهدید هم متوسل شده است تا نگذارد تولیدکنندگان قیمت‌ها را بالا ببرند. خوب همه این تصمیم‌ها فضای اقتصاد ایران را مشوش و آشفته می‌کند. یعنی برخلاف هدف اولیه دولت که می‌خواست با هدفمندسازی تخصیص منابع را به سوی کارایی ببرد، حالا نه تنها چنین هدفی محقق نمی‌شود بلکه رکود، عمیق‌تر می‌شود، سرمایه‌گذاری به محاق می‌رود و اگر این روند ادامه یابد ما تا پایان امسال با یک بحران اقتصادی در بخش تولید روبه‌رو می‌شویم. مگر نه اینکه همه این نتایج ناشی از نگرانی از خیزش تهیدستان شهری است؟ این یعنی حضور و اثرگذاری جدی جمعیت تهیدستان شهری بر اقتصاد و البته عامل گسترش جمعیت تهیدستان نیز سیاست‌های دولت در چند سال اخیر کشور را به سوی برده است که از این پس نقش تهیدستان در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور روز به روز بیشتر می‌شود و هر چه این فرایند ادامه یابد برای آینده کشور بیشتر و شدیدتر خطر آفرین خواهد شد. به عبارت دیگر سیاست‌های غلط عدالت‌گرایانه دولت که به جای توجه به عدالت و انصاف، معطوف به مساوات و برابری بوده است، باعث شده است که روز به روز عرصه فعالیت اقتصادی بیش از پیش متاثر از رفتار یا خطرات رفتاری تهیدستان شود و از این طریق عرصه سیاست نیز تحت‌الشعاع احتمالات رفتاری جمعیت تهیدستان شهری شود. در یک کلام، آینده اقتصاد و سیاست ایران را تهیدستان شهری رقم خواهند زد که بخش بزرگی از جوانان تحول‌خواه نیز جزو این تهیدستان شهری‌اند.

۲ اصلی‌ترین خواسته‌های اقتصادی این گروه طی سه دهه گذشته را چه می‌دانید؟ دولت‌ها تا چه اندازه به طبقه تهیدستان شهری نظر و نگاه داشته‌اند؟

ببینید جمعیت تهیدستان شهری در طول این سه دهه ساختار ثابتی نداشته است و به همین علت خواسته‌های آن نیز ثابت نبوده است. روزگاری تهیدستان شهری همین که شغلی می‌داشتند



محسن رنائی
دانشیار
دانشگاه اصفهان

مگر نه اینکه همه این نتایج ناشی از نگرانی از خیزش تهیدستان شهری است؟ این یعنی حضور و اثرگذاری جدی جمعیت تهیدستان شهری بر اقتصاد و البته عامل گسترش جمعیت تهیدستان نیز سیاست‌های دولت بوده است. متاسفانه باید بگویم سیاست‌های دولت در چند سال اخیر کشور را به سوی برده است که از این پس نقش تهیدستان در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور روز به روز بیشتر می‌شود

راضی بودند. اما دولت تعهدی در قبال مسکن و تحصیل آنها نداشت. اما اکنون هم ساختار اقتصاد تغییر کرده است و هم ساختار جمعیتی تهیدستان. در مورد اقتصاد اکنون مسکن نه یک مسئله که یک بحران است. همچنین تحصیل که امروز برای داشتن شغل ساده‌ای نیز شما باید تحصیلات دانشگاهی داشته باشید. جمعیت تهیدستان نیز که روزگاری شامل حاشیه‌نشینان و مهاجران و کارگران بود امروز شامل بخش بزرگی از شهرنشینان اصلی مانند معلمان و کارمندان و خرده‌فروشان شده است. به یمن گسترش دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور و غیرانتفاعی، امروز بخش بزرگی از تهیدستان شهری دارای تحصیلات دانشگاهی نیز هستند. از این گذشته این تهیدستان شهری به کمک رسانه‌ها و ماهواره‌ها در تحولات جهانی نیز آگاهند و انتظارات خود را براساس آن آگاهی‌ها تنظیم می‌کنند. در این صورت اکنون دیگر خواسته تهیدستان شهری به تعداد محدودی خواسته اقتصادی مانند شغل و کمک‌هزینه و یارانه و نظایر اینها محدود نمی‌شود. تهیدستان شهری امروز بیش از هر چیز هویت گمشده خود را می‌جویند که علاوه بر اقتصادیات، عزت نفس و حقوق اجتماعی و حقوق شهروندی و حقوق سیاسی را نیز شامل می‌شود.

اما یک نکته مهم دیگر، تهیدستان به علت اینکه با اصولا فاقد شغل هستند یا درآمدهای حاصل از شغل اصلی‌شان کفایت زندگی آنان را نمی‌کند معمولا دارای شغل دوم هستند که معمولا این شغل دوم یک شغل غیررسمی است یا اصولا یک شغل دارند و همان یک شغل هم غیررسمی است. به دیگر سخن، این تهیدستان شهری لشکر شاغلین غیررسمی را هم شکل می‌دهند. بی‌جهت نیست که برآوردها نشان می‌دهد بین ۳۰ تا ۵۰ درصد اشتغال در برخی از بخش‌های اقتصادی در ایران از نوع غیررسمی است. بد نیست بدانیم هرچه سهم فعالیت‌های غیررسمی در اقتصاد افزایش یابد نظارت‌پذیری و هدایت‌پذیری اقتصادی کاهش می‌یابد. چراکه بخش غیررسمی به راحتی می‌تواند از قواعد رسمی دولتی بگریزد. وقتی سهم بخش غیررسمی بزرگ باشد یعنی بخش بزرگی از فعالیت‌های کشور از نظارت و هدایت دولت خارج‌اند و سیاست‌های رسمی دولتی بر آنها قابل اعمال نیست. به همین علت بسیاری از سیاست‌های اقتصادی دولت بی‌نتیجه می‌ماند یا شکست می‌خورد. خیلی ساده بگویم، طرح بنگاه‌های زودبازده را شاغلین غیررسمی یا همین تهیدستان شهری به شکست کشاندند. انبوهی از وام‌های رسمی را گرفتند اما در فعالیت‌های غیررسمی به کار گرفتند. به گونه‌ای که بانک مرکزی اعلام کرد اصولا نیمی از بنگاه‌هایی که وام زودبازده گرفته‌اند وجود خارجی ندارند.

۳ آیا طبقه فرودست شهری به اتفاقات سیاسی و اقتصادی کلان کشور به طور نمونه طرح هدفمندی یارانه‌ها واکنشی

نشان می‌دهد؟ در واقع تحرک این طبقه را می‌توان با گروه‌هایی مانند کارگران و اصناف قیاس کرد؟

اولا همان‌گونه که گفتم امروز بخش‌هایی از کارگران و خرده‌فروشان نیز به جمعیت تهیدستان شهری پیوسته‌اند. دقت کنید از آنجا که طبقات تهیدست شهری مسئله اولشان حفظ سطح معیشت و حفظ تعادل سطح پابینشان است نه وقت و نه انرژی‌ای برای پیگیری سازمان‌یافته منافع خود ندارند. آنها البته در یک نقطه به اشتراک می‌رسند و آن فقر است. بنابراین مسئله اول این جمعیت، معیشت و حفظ تعادل سطح پایین موجود است. این طبقه اتفاقات کلان را تا جایی که به وضعیت معیشت او مربوط است دنبال می‌کند و حساسیت نشان می‌دهد. بنابراین مثلا در این مورد خاص که سوال کردید، یعنی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها، تهیدستان شهری تا وقتی که این طرح را به سود خود و در جهت حفظ یا ارتقای تعادل سطح پابینشان ببینند سکوت می‌کنند یا حمایت می‌کنند اما به محض اینکه چنین نباشد واکنش نشان می‌دهند و این دقیقا همان چشم‌سفند یار هدفمندسازی است. یعنی متأسفانه سیاست دولت به گونه‌ای است که رضایت کوتاه‌مدت تهیدستان شهری را ملاک قرار داده است و به همین علت تمام جوانب دیگر این طرح دارد فدای این یک مسئله می‌شود و همین هم بالاخره طرح را به شکست می‌کشاند. از سوال شما دور نشویم. بحث تحرک تهیدستان شهری بود. اینان به همان دلایلی که عرض شده امکان سازماندهی ندارند اما در عوض به صورت تکانشی عمل می‌کنند یعنی در یک بزنگاه تاریخی ممکن است یک واکنش سریع و تکانشی نشان دهند و تعادل سیاسی موجود را به هم بزنند. خیلی خطرناک است وقتی سیاست رسمی به گونه‌ای باشد که سرنوشت خود را به عمل تهیدستان شهری گره بزند. فرق تهیدستان شهری با کارگران و اصناف این است که اینان دارای نوعی سازماندهی اجتماعی هستند که امکان تعامل و گفت‌وگو را بین خودشان و نهادهای عمومی فراهم می‌آورد و نمی‌گذارد تقابل به نقطه بحرانی برسد. اما تهیدستان شهری دارای هیچ سازماندهی جمعی برای تعامل و مذاکره با نهادهای عمومی نیستند و بنابراین اعتراضاتشان به ساختارها و فرایندهای موجود می‌ماند تا به نقطه انفجار برسد و بعد در یک زمان مناسب به صورتی تکانشی و ضربه‌ای ظاهر شود.

سیاست‌های اقتصادی دولت نهم و دهم تا چه اندازه برای جذب این گروه بوده

است؟

اصولا دولت نهم و دهم از نوع دولت مساواتگرا است و نه دولت عدالت‌خواه. دولت‌های مساوات‌گرا تمام همت‌شان معطوف به برابری است و شعارهایشان بیشتر برابری‌گرایانه است. برعکس اقدامات عدالت‌طلبانه، شعارها و اقدامات برابری‌گرایانه هیچ منطقی ندارند و فقط با احساس و عاطفه

استوارند. یعنی اقدامات عدالت‌طلبانه، هم ریشه عقلانی دارند و هم عقل ما را مجاب می‌کنند اما سیاست‌ها و شعارهای مساوات‌گرایانه ریشه عقلاتی ندارند و فقط عاطفه و احساس ما را سیراب می‌کنند. به همین علت معمولاً دولت‌های انقلابی و دولت‌هایی که می‌خواهند پایگاه اجتماعی خود را بر تهیدستان استوار کنند به سوی شعارها و سیاست‌های مساوات‌گرایانه می‌روند که از تهیدستان دلربایی می‌کند. تقریبا تمام سیاست‌های اقتصادی بزرگ دولت نهم و دهم نظیر سهام عدالت، مسکن مهر، سفرهای استانی، طرح بنگاه‌های زودبازده و همین نحوه‌ای که طرح هدفمندی را اجرا می‌کنند، از نوع سیاست‌های مساوات‌گرایانه است که بیشتر معطوف به دلربایی از تهیدستان است. دقت کنید دلربایی از تهیدستان فی‌نفسه چیز خوبی است اما به شرطی که در بلندمدت به زیان تهیدستان تمام نشود. علم اقتصاد نشان داده است که سیاست‌های مساواتی معمولاً در بلندمدت فقرا را فقیرتر می‌کند. اگر بی‌اخلاقی‌ای در این سیاست‌ها باشد همین است که در بلندمدت فقرا را فقیرتر می‌کند. سیاست‌های اقتصادی باید عادلانه باشد به گونه‌ای که در بلندمدت هم رشد اقتصادی را آسیب نرزد و هم وضع فقرا را بهتر کند. بنابراین اصولاً هر دولتی سیاست‌های مساواتی را برگزیند علامت این است که فقط می‌خواهد در کوتاه‌مدت تهیدستان را برای خود نگه دارد و خیلی به فکر منافع بلندمدت آنان نیست.

شما معتقدید که سیاست‌های دولت

نهم و دهم جایگاه فقرای شهری را

بهبود می‌دهد یا نه؟

بی‌گمان در کوتاه‌مدت بخش‌هایی از تهیدستان شهری و روستایی وضعیتشان بهبود یافته است. اما این فقط در کوتاه‌مدت است. یک موج توری که بیاید - و بی‌گمان این موج به زودی خواهد آمد - تمام این دستاوردها از بین می‌رود و وضع فقرا بدتر از قبل می‌شود. نکته مهم‌تر اینکه این سیاست‌ها اصولاً فرایند توسعه را متوقف می‌کند. موتور توسعه در هر جامعه طبقه متوسط آن جامعه است. حالا ببینید از هنگامی که دولت نهم بر سرکار آمده است مرز میان طبقه متوسط و طبقه پایین از بین رفته است. یعنی طبقه متوسط آرام آرام حذف شده و به طبقات پایین پیوسته است. اگر درآمد یک میلیون تومان در ماه برای یک خانواده پنج نفری را معیار خط فقر در شهرهای بزرگ بگیریم، هم‌اکنون نزدیک به ۵۰ درصد از جمعیت شهری ما درآمدشان زیر این مقدار است. یک زمانی طبقه فقیر شامل دو دهک اول درآمدی بود. اما الان پنج طبقه اول جمعیتی را شامل می‌شود. یعنی جامعه ما اکنون دارد دوقطبی می‌شود یک اقلیت ثروتمند و یک اکثریت فقیر و طبقه متوسط که به طور طبیعی باید شش دهک میانی را دربر بگیرد اکنون به دو دهک تقلیل یافته است. در حالی که توسعه نیازمند وجود یک طبقه متوسط گسترده است. پس سیاست‌های این دولت نتجهاش حذف